

قانون حمایت از نشانه های جغرافیائی:

## پیشبرد همگرایی نظم حقوقی ملی با تعهدات بین المللی

نادر ساعد

### اشاره:

بر اساس رویه قضائی بین المللی، حقوق قراردادی و رویه دولتها و نهادهای بین المللی، نظم حقوقی ملی باید بر احترام به موازین عام حقوق بین الملل استوار باشد. بر این اساس، قوای سه گانه هر کشور باید عملکرد خود را به گونه ای سامان دهند که تعهدات بین المللی نوشته یا عرفی دولت متبوع، به اجرا درآید. قوه مقننه مکلف به وضع قوانین مناسب برای اجرای این تعهدات و همساز کردن قوانین با تحوات حقوقی بین المللی و دستگاه قضا نیز موظف به اجرای قضائی این موازین در گستره صلاحیت ملی است و قوه مجریه نیز متعهد به رعایت این تعهدات در ارتباط با سایر دولتها و شهروندان و بیگانگان است. (۱)

مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه سال جاری، ضمن تصویب قانونی با عنوان «حمایت از نشانه های جغرافیائی»، نه تنها فکر و ایده «لزوم همسازی نظم حقوقی ملی با موازین حقوق بین الملل» را تأیید نمود بلکه با اعطای حمایت قضائی از مفاد کنوانسیون پاریس (۱۸۸۳) در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی و اصلاحات آن، مفاد ماده ۱۰ این کنوانسیون را همانند قانون عادی به عنوان اعمال زیانبار و شایسته اقامه دعوی در محاکم عنوان نمود. تصویب این قانون، فرصتی دست داد تا لزوم همگرایی حقوق داخلی با موازین حقوق بین الملل را در کلیت آن مورد کنکاش قرار دهیم. در این رابطه، مطلب زیر را ملاحظه فرمائید.

### مقدمه

حقوق بین الملل یا حقوق ملل (۲) به مثابه حقوق جامعه بین المللی، مجموعه موازینی است که رفتار بازیگران بین المللی را در مسیر صلح و امنیت بین المللی تنظیم می کند. تردیدی نیست که دولتها، نخستین بازیگران و تابعان واجد شخصیت حقوق بین المللی هستند که در واقع، ضمن ایفای نقش واضح (اغلب) این هنجارها، خود را در قید تبعیت از آنها قرار داده اند (اصل وحدت تابعان و واضعان حقوق بین الملل).

منظور از دولت، تجسمی حاصل از جمع شدن سه عنصر جغرافیائی (سرزمین)، انسانی (جمعیت) و سیاسی (حاکمیت و حکومت) است. نمایندگان دولتها در عرصه ساخت و

قراردادی محدود نمی‌شود بلکه کلیه موازین عرفی و نانوشته‌ای که از نظر حقوق بین‌الملل برای دولت مربوطه لازم‌الاتباع باشد، (۶) نسبت به آن قوانین مجری و لازم‌الاتباع خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر مسئولیت بین‌المللی نیز موجب الزامی شدن اجرای تعهدات بین‌المللی است، نظر به اینکه مسئولیت بین‌المللی ناظر بر عموم تعهدات اعم از قراردادی و عرفی است، نقش مسئولیت‌ساز این قوه نیز در تمامی گستره مذکور مصدق دارد. (۷)

#### ۱- جایگاه ملی حقوق بین‌الملل از نگاه دکترین

هر چند قانون اساسی به نحوی به جایگاه معاهدات بین‌المللی در حقوق ملی اشاره داشته اما نوع نگاه مذکور متنی بر آگاهی از دسته‌بندی معاهدات در نظام بین‌المللی نبوده است. با اینکه معاهدات اجرائی به محض امضای نماینده صالح دولت، قابلیت اجرائی خواهد یافت و نیازی به تصویب مجلس و طی تشریفات ندارد، (۸) قانون اساسی همه معاهدات را «رسمی و تشریفاتی» تلقی نموده که بایستی مشمول نظارت استصوابی مجلس قرار گیرند. (۹) در هر حال، با توجه به اصول ۷۴ و ۱۲۵ قانون اساسی، (۱۰) نظریات تفسیری شورای نگهبان (۱۱) و همچنین ماده ۹ قانون مدنی، این دیدگاه مورد اتفاق نظر حقوقدانان ایرانی است که از منظر قانون

پرداخت قواعد حقوقی عرفی و قراردادی عمدتاً عبارتند از: رئیس کشور، رئیس دولت، وزیر امور خارجه، (۳) قوای سه‌گانه و اعضای هیات‌های دیپلماتیک. اما در عرصه ایفای تعهدات بین‌المللی دولت یا قابلیت مسئولیت‌سازی بین‌المللی، قطعاً قوای سه‌گانه نقش بارز و برجسته‌ای دارند. (۴) در واقع، در پرتو مقبولیت بین‌المللی و عام تبعیت نظم حقوقی ملی از نظم حقوقی بین‌المللی، (۵) قوای سه‌گانه در چارچوب اختیارات و صلاحیت‌هایی که بر اساس حقوق داخلی (و بویژه قانون اساسی) دارند، باید اجرای ملی تعهدات مذکور را تأمین نمایند.

پس، قوه مقننه مکلف است که قوانین مورد نیاز برای ایفای تعهدات بین‌المللی را وضع کند و قوانین موجود را که مغایر با تعهدات مذکور است، تطبیق، لغو یا اصلاح نماید. قوه مجریه مکلف است که در اجرای حقوق داخلی، در عرصه‌هایی که مرتبط با مسایل بین‌المللی است (نظیر رفتار با بیگانگان) بر خلاف آنها عمل نکند و قوه قضائیه در تعقیب، تحقیق، صدور رای و اجرای آنها، سازگار با موازین بین‌المللی لازم‌الاجرا اقدام نماید. در غیر این صورت، مسئولیت بین‌المللی دولت متبوع خود را بدنبال خواهند داشت. البته تکالیف قوای سه‌گانه به «تعهدات» یعنی حقوق بین‌الملل

موازن حقوق بین الملل هم به صورت روشن و خاص، پرداخته باشد.

از طرف دیگر، سکوت قانون اساسی نسبت به جایگاه عرف بین المللی در نظام منابع حقوق موضوعه، محرز است. تنها قرینه ناظر بر این امر را می توان در حقوق داخلی یعنی ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی سابق یافت که قضات را مکلف می ساخت در مقام حل و فصل دعاوی (مدنی)، در صورت سکوت منابع مدون، به عرف مسلم مراجعه کنند. برخی با تفسیر موسع مفهوم «عرف مسلم» در این ماده آن را به عرف بین المللی نیز تسری می دادند (۱۸) اما با تدوین قانون آیین دادرسی مدنی جدید و حذف نقش عرف در این خصوص، اثری از این قرینه هم باقی نمانده و محتوای این ماده، دیگر موضوعیت ندارد.

اما در سالهای اخیر، مسأله اجرای ملی موازن حقوق بین الملل و تأکید بر اقدامات قوای سه گانه در این خصوص، رشد شایان توجهی داشته است. در این خصوص به قانون برنامه چهارم توسعه و سایر قوانین عادی پس از آن به عنوان نمونه اشاره می شود.

اساسی سیستم حقوقی کشور، معاهدات را دارای قابلیت «خود اجرائی» (۱۲) ندانسته و اجرای آنها را منوط به رهیافت «تبدیل یا احاله» (۱۳) نموده است. (۱۴) حقوق بین الملل قراردادی در نظام حقوق موضوعه کشورمان، پائین تر از قانون اساسی است. (۱۵)

نتایج منطقی اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی است که اولاً قانون اساسی بر معاهدات بین المللی برتری دارد. ثانیاً معاهدات بین المللی با قانون عادی ارزشی برابر دارند یا در حکم قانون هستند. ثالثاً این معاهدات بر مصوبات هیات وزیران و سایر مقررات دولتی برتری دارند. (۱۶) رابعاً هر معاهده پس از آنکه وارد نظام داخلی شد، رسماً قابل استناد است. خامساً در صورتی که دادگاهی از حدود مقرر معاهده، تخطی کند، حکم آن دادگاه باید در محاکم عالی نقض گردد. سادساً معاهدات بین المللی همانند قوانین داخلی تابع اصل عطف بمراتب نشدن قوانین هستند و فقط نسبت به آیند اثر دارند. (۱۷) با این حال، در همین حوزه تصریح شده یعنی رابطه اعتباری معاهدات بین المللی لازم الاجرا برای ایران با قانون ایرانی (اعم از قانون اساسی، قانون ارگانیک و سایر قوانین عادی) نیز غلبه دیدگاههای سنتی حقوقی چنان است که تاکنون کمتر حقوقدانی یافت می شود که به «تکلیف» قاضی یا دادگاه ایرانی به اجرای این دسته از

## ۲- حقوق بین الملل به عنوان یک شاخص توسعه حقوقی ملی در قانون برنامه چهارم توسعه

یکی از ویژگیهای قانون برنامه چهارم توسعه، توجه ویژه به «اجرای تعهدات بین المللی» (البته صرفاً تعهدات قراردادی و معاهده ای) کشور و انطباق مقررات ملی با موازین شناخته شده بین المللی است، موازینی که در عرصه بین المللی (در ابعاد اقتصادی، نیروی کار، امنیتی و ...) از اعتبار و منزلت عام برخوردار بوده و ایران نیز بایسته است با اجرای آن، موقعیت خود در ترکیب جامعه بین المللی را حفظ نماید.

با ملاحظه مفاد پیش نویس قانون برنامه چهارم توسعه، از جمله می توان موارد زیر را به عنوان تجلی این رویکرد و نگاه به تعهدات بین المللی کشور و تعامل حقوق عمومی ملی با آنها یاد آور شد:

- ماده ۳: استمرار معافیت های برقرار شده بر اساس کنوانسیون های بین المللی تجاری، نرم افزاری و تجارت الکترونیک (که البته در این خصوص می بایست از معافیت های برقرار شده بر اساس کنوانسیون های کنسولی و دیپلماتیک نیز یاد می شد)،

- ماده ۳۷: یکسان سازی تعاریف و اصطلاحات قانونی در بخش فعالیت های دریایی کشور با ملاحظه تعاریف و اصطلاحات بین المللی،

- ماده ۳۸: اصلاح قوانین و مقررات صادرات و واردات، امور گمرکی و مناطق آزاد در راستای تقویت همکاریهای بین المللی و مشارکت موثر بین المللی،

- ماده ۴۷: استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت فکری ملی و بین المللی از طریق قوانین و مقررات،

- ماده ۷۳: اجرای سند ملی آمایش سرزمین از جمله بر اساس چشم انداز بلند مدت کشور در چارچوب سیاستهای کلی نظام و تحلیل شرایط منطقه ای و بین المللی (که به نظر می رسد تعهدات بین المللی را نیز در بر می گیرد)،

- ماده ۱۰۷: تکلیف دولت به اصلاح قوانین و مقررات و انطباق آنها با استانداردها و موازله نامه های بین المللی کار، کنسولی و امحای تبعیض در همه عرصه های اجتماعی،

- ماده ۱۱۸: تکلیف دولت به ارتقای امنیت عمومی از طریق مهار جرائم در پرتو معاهدات دوجانبه و چندجانبه و امنیت جمعی،

- ماده ۱۲۴: تکلیف وزارت خارجه به حضور فعال در معاهدات، توافقات، اتحادیه ها و سازمانهای منطقه ای و بین المللی.

با این حال، در قانون برنامه چهارم، مضمومی از اغلب راههای مذکور پیش بینی شده ولی مخاطب آنها صرفاً قوه مجریه می

زیان ناشی از آنها در دادگاه اقامه دعوی نماید:

الف- معرفی و انتشار غیر واقعی و گمراه کننده مبدأ جغرافیائی کالا.  
ب- هرگونه استفاده از نشان های جغرافیائی که مطابق ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس، مصداق رقابت نامشروع باشد.

از طرف دیگر، بند ج ماده ۵ در خصوص نشانه های جغرافیائی که مورد حمایت این مصوبه نیستند، مقرر داشته که:

«نشانه هائی که در کشور مبدأ خود حمایت نمی شوند یا حمایت از آنها متوقف شده است یا متروک گردیده اند، در چارچوب معاهداتی که کشور ایران به آنها ملحق شده است».

بنابراین، قانونگذار ایرانی در صورتی که تعهداتی قراردادی در خصوص حمایت از مالکیت های صنعتی ثبت شده در سایر کشورها پذیرفته شده باشد، تعهدات بین المللی مذکور را موجد الزامات ملی به حمایت قضائی از این مالکیت ها دانسته و بموجب ماده ۱۳، دادگاه ویژه رسیدگی به این دعاوی و کلیه اختلافات مرتبط با این مصوبه، «دادگاه عمومی تهران» است.

آئین نامه اجرائی این مصوبه نیز باید با رعایت کنوانسیون های مربوط که دولت

باشد. به عبارت دیگر، نقش قوای مقننه و قضائیه در این خصوص مسکوت مانده است.

### ۳- شاخص حقوق بین الملل در قانون حمایت از نشانهای جغرافیائی

طرح حمایت از نشانهای مبدأ جغرافیائی به منزله اقدامی برای توسعه حمایت از مالکیت های صنعتی، پس از تقدیم به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در هفتم بهمن ماه با اصلاحاتی در شکلی و محتوایی، با عنوان «حمایت از نشانه های جغرافیائی» (مشمول بر شانزده ماده و سه تبصره) به تصویب رسید.

به موجب این مصوبه، نشانه جغرافیائی، نشانه ای است که مبدأ کالائی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه ای از کشور منتسب می سازد مشروط بر این که کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدأ جغرافیائی آن باشد (بند الف ماده ۱). با توجه به ماده ۵، به نظر می رسد که منظور از «کشور» صرفاً جمهوری اسلامی ایران نبوده بلکه سایر کشورها را نیز در بر می گیرد.

ماده ۲ این مصوبه با پردازش حمایت قضائی از نشانه های مذکور و تبیین موارد قابل حمایت، چنین مقرر داشته است:

هر شخص یا گروه ذی نفع می تواند در خصوص نشانه های جغرافیائی به منظور جلوگیری از اعمال زیر یا مطالبه ضرر و

است، قاضی ایرانی را مکلف می سازد در اجرای این مصوبه، به کنونسیون مذکور استناد نموده و حکم مقتضی ادر نماید. از این جهت، این مصوبه به منزله تأیید اجرای ملی تعهدات بین المللی از طریق دستگاه قضائی است.

پی نوشت ها:

۱- در تشریح این موضوع ر.ک. به: نادر ساعد، اجرای ملی موازین حقوق بین الملل و نقش دادگاه ایرانی، «مجله پژوهشهای حقوقی»، (۱۳۸۳)،

صص

2. J.L. Brierly, *The Law of Nations*, (Oxford, Oxford Uni. Press, 1988).

۳- کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات.

۴- در خصوص نقش ارکان دولتها در ایجاد مسئولیت بین المللی برای آن دولت ر.ک. به: بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، مسئولیت بین المللی دولت، زیر نظر جمشید ممتاز، (تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، صص ۴۸-۵۲.

۵- ر.ک. به ملکم شاو، *حقوق بین الملل*، ترجمه محمد حسین وقار، (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲)، دومینیک کارد، *حقوق بین الملل در عمل*، ترجمه مصطفی تقی زاده انصاری، (تهران، ققنوس، ۱۳۷۸)، صص ۳۷-۷۸، ابراهیم بیگ زاده، *حقوق بین الملل عمومی*، (قم، جزوه آمادگی کارشناسی ارشد ایثارگران، ۱۳۷۴)، صص ۵۷-۵۲، هوشنگ مقتدر، *حقوق بین الملل عمومی*، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، چاپ دوم، صص ۳۹-۳۵، پرویز

ایران به آنها ملحق شده، تصویب شود (ماده ۱۶).

در کل، رعایت موازین بین المللی نه تنها در تعریف موضوع قابل حمایت قانونی و قضائی بلکه در تشریح جزئیات آن هم مورد توجه و تصریح قانونگذار قرار گرفته و این امر در میان مصوبات مجلس، تا حد زیادی نمایانگر پیشرفت و توسعه درک و پذیرش اجرای ملی حقوق بین الملل است و امید به پیشبرد این وضعیت را ارتقاء می بخشد.

## فرجام

اجرای ملی حقوق بین الملل، دو جنبه شکلی (صوری) و ماهوی (مفادی) دارد. از جهت ماهوی، حقوق و تکالیفی که حقوق بین الملل برای اشخاص شناسائی نموده و به رسمیت می شناسد باید (در صورت الزام آور بودن برای دولت مورد نظر) توسط کلیه نهادهای حکومتی آن اعمال و محترم شمرده شود. از نظر شکلی نیز حقوق بین الملل باید مستقیماً یا پس از طی تشریفات تبدیل داخلی معاهده به مقرر ای داخلی، در نهادهای ملی و فرو ملی (از جمله قوه قضائیه) به اجرا درآید. (۱۹) در این راستا است که قاضی باید به این دسته از موازین بین المللی استناد نماید و استناد اصحاب دعوی را استماع کند.

تصویب قانون حمایت از نشانه های جغرافیائی که متکی به کنوانسیون پاریس

۱۱- نظریات شماره ۳۹۰۳ مورخ ۶۰/۸/۷ و ۹۰۹۳ مورخ ۶۲/۹/۸ شورای نگهبان در همان منبع، به ترتیب صص ۸۱-۸۲ و ۱۰۶-۱۰۵.

<sup>12</sup>. See Albert Bleckmenn, "Self-Executing Treaty Provisions", EPIL, Vol. 7. Pp. 81-86.

<sup>13</sup>. Transformation

۱۴- در خصوص جایگاه «احاله یا تبدیل» و همچنین «ادغام» در روابط حقوق بین الملل و حقوق داخلی به ترتیب ر.ک. به:

R. Beldsoe and B. Boczek, *The International Law Dictionary*, (Oxford, Clio Press Ltd, 1987), pp. 31-32 and 12.

۱۵- براهیم بیگ زاده، پیشین، ص ۸۷، محمد رضا ضیائی بیگدلی، پیشین، ص ۹۱، پرویز ذوالعین، پیشین، ص ۵۸۸.

۱۶- پرویز ذوالعین، پیشین، صص ۵۹۱-۵۸۸.

۱۷- ر.ک. به هدایت... فلسفی، پیشین، ص ۳۶۷.

۱۸- پرویز ذوالعین، پیشین، ص ۵۹۶.

۱۹- ر.ک. به: دومینیک کارو، پیشین، ص ۳۸۹.

ذوالعین، *مبانی حقوق بین الملل عمومی*، (تهران دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷)، صص ۵۲۵-۶۱۸، محمد رضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین الملل عمومی*، (تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲)، صص ۹۳-۷۴ و همچنین:

Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, (Oxford, Clarendon Press, 1990), 4<sup>th</sup> ed., pp.32-57; Maryan Green, *International Law*, (London, Pitman Publishing, 1987), pp. 8-12; Michael Akehurst, *A Modern Introduction To International Law*, (London, Unwin Hyman, 1988), 6<sup>th</sup> ed., p. 43-52.

<sup>6</sup>. See Rudulf Bernhardt, "Customary Internatioal Law", EPIL, pp. 61-67.

<sup>۷</sup>- اینکه اعمال قوه قضائیه مغایر با تعهدات بین المللی، موجب مسئولیت دولت می شود در کمیته مقدماتی کنفرانس تدوین حقوق بین الملل لاهه (۱۹۳۰) نیز مطرح و تایید شده است. اهمیت دستاورد این کمیته چنان است که دیوام داوری ایتالیا و ونزوئلا در قضیه مارتینی در سال ۱۹۳۰، بر اساس این دستاورد رای صادر کرده است. به ترتیب ر.ک. به:

UN, *YILC*, 1956, Vol. II, p. 223 and Lauterpacht, *Annual Digest of Public International Law Cases, Years 1929-1930*, p. 153.

<sup>8</sup>. See Luzius Wildhaber, "Executive Agreements", EPIL, Vol. 7, pp. 414-417.

<sup>۹</sup>- سید محمد هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، (قم، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۲)،

۱۰- بر اساس نظریه مورخ ۶۲/۸/۳ شورای نگهبان، این دو اصل، ناظر بر موضوعی واحد و یکسان هستند. ر.ک. به: حسین مهرپور، *مجموعه نظریات تفسیری شورای نگهبان*، (تهران، کیهان)، جلد های ۳، صص ۱۰۴-۱۰۳.